

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Jurisprudential Perspectives on the Punishment of Intentional Homicide Based on the Type of Intent

Reza Rezaei<sup>1</sup>, Mahmoud Ghayomzadeh<sup>2\*</sup>, Hassan Hamzehloei<sup>1</sup>

1. Department of Law, Khom.C., Islamic Azad University, Khomein, Iran

2. Department of Education and Law, Sav.C., Islamic Azad University, Saveh, Iran

\* Corresponding Author's Email: maaref@iau-saveh.ac.ir

### ABSTRACT

Intentional homicide is regarded as one of the most significant crimes against persons in legal and jurisprudential systems, and due to its direct connection with the human right to life, it has consistently attracted the attention of Islamic jurists and legislators. One of the most important elements in establishing intentional homicide is "intent," which, in Islamic jurisprudence and Iranian criminal law, plays a decisive role in determining the nature of the offense and the corresponding punishment. Accordingly, the type of the offender's intent—including direct intent to kill, the commission of an inherently lethal act, or knowledge of the lethal nature of the act in relation to the victim—may affect the characterization of the homicide and the determination of its punishment. The present study, using a descriptive-analytical method and relying on jurisprudential and legal sources, examines the viewpoints of Shiite jurists and certain contemporary legal theories regarding the punishment of intentional homicide based on the type of intent. The findings indicate that Islamic jurisprudence proposes various criteria for establishing intentional homicide, including direct intent to kill, intent to commit an act that is inherently lethal, and awareness of the occurrence of the fatal result. These criteria have also been reflected in the Islamic Penal Code and constitute the basis for determining the punishment of *qisās* (retaliation in kind) or other penalties. Analysis of the viewpoints demonstrates that although there is consensus regarding *qisās al-nafs* as the punishment for intentional homicide committed with direct intent, disagreements exist among jurists and legal scholars in cases such as coerced homicide, mistaken identity, homicide resulting from provocation by the victim, or homicide committed under particular circumstances.

**Keywords:** *intentional homicide, criminal intent, qisās, Shiite jurisprudence, mental element of crime.*

How to cite: Rezaei, R., Ghayomzadeh, M., & Hamzehloei, H. (2027). Jurisprudential Perspectives on the Punishment of Intentional Homicide Based on the Type of Intent. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(3), 1-27.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

# دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

## دیدگاه های فقهی درباره کیفر قتل عمد بر اساس نوع قصد

رضا رضائی<sup>۱</sup>، محمود قیوم زاده<sup>۲\*</sup>، حسن حمزه لویی<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

۲. گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: [maaref@iau-saveh.ac.ir](mailto:maaref@iau-saveh.ac.ir)

### چکیده

قتل عمد از مهم ترین جرایم علیه اشخاص در نظام های حقوقی و فقهی به شمار می آید و به دلیل ارتباط مستقیم با حق حیات انسان، همواره مورد توجه فقها و قانون گذاران بوده است. یکی از مهم ترین عناصر تحقق قتل عمد، «قصد» است که در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران نقش تعیین کننده ای در تشخیص نوع جنایت و تعیین کیفر آن دارد. بر این اساس، نوع قصد مرتکب اعم از قصد مستقیم قتل، فعل نوعاً کشنده یا علم به کشنده بودن فعل نسبت به بزه دیده، می تواند در تعیین ماهیت قتل و تعیین مجازات آن مؤثر باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از منابع فقهی و حقوقی، دیدگاه های فقهای امامیه و برخی نظریات حقوقی معاصر را درباره کیفر قتل عمد بر اساس نوع قصد بررسی می کند. یافته های تحقیق نشان می دهد که در فقه اسلامی معیارهای مختلفی برای تحقق قتل عمد مطرح شده است؛ از جمله قصد مستقیم قتل، قصد انجام فعل نوعاً کشنده و علم به تحقق نتیجه. این معیارها در قانون مجازات اسلامی نیز انعکاس یافته و مبنای تعیین کیفر قصاص یا سایر مجازات ها قرار گرفته اند. تحلیل دیدگاه ها نشان می دهد که گرچه در خصوص قصاص نفس به عنوان کیفر قتل عمد با قصد مستقیم اتفاق نظر وجود دارد، اما در مواردی مانند قتل اکراهی، اشتباه در شخص، قتل ناشی از تحریک بزه دیده، یا قتل در شرایط خاص، اختلاف نظرهایی در میان فقها و حقوق دانان مشاهده می شود.

**کلیدواژگان:** قتل عمد، قصد جنایی، قصاص، فقه امامیه، عنصر معنوی جرم.

تحلیل آن‌ها بدون مراجعه به مبانی فقهی ممکن نیست. به همین دلیل، بررسی تطبیقی میان فقه و قانون می‌تواند در تبیین بهتر مفهوم قتل عمد و تعیین مجازات مناسب برای آن نقش مهمی ایفا کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه‌های فقهی درباره کیفر قتل عمد بر اساس نوع قصد و تحلیل انعکاس این دیدگاه‌ها در قانون مجازات اسلامی انجام شده است. در این راستا، ابتدا مبانی نظری و فقهی قتل عمد بررسی شده و سپس نقش انواع قصد در تحقق این جرم و تعیین مجازات آن تحلیل می‌شود.

قتل عمد خشن‌ترین و مهم‌ترین جرم علیه حیات انسان است که در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. تحقق این جرم مستلزم وجود عناصر مادی و معنوی است که در میان آن‌ها عنصر معنوی یا قصد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، تمایز میان قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض تا حد زیادی به نوع قصد و علم مرتکب وابسته است. فقه‌های امامیه در تعریف قتل عمد دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند، اما بیشتر آنان تحقق این جرم را منوط به قصد قتل یا انجام فعل نوعاً کشنده همراه با علم به نتیجه دانسته‌اند. این دیدگاه در قانون مجازات اسلامی نیز مورد پذیرش قرار گرفته و در ماده ۲۹۰ این قانون موارد تحقق قتل عمد بیان شده است. با این حال، در برخی موارد مانند اشتباه در شخص، قتل ناشی از تحریک بزه‌دیده یا قتل مجنون، تشخیص نوع قصد و تعیین مسئولیت کیفری با دشواری‌هایی همراه است (Amiri et al., 2024). از سوی دیگر، تعیین نوع قصد نه تنها در تشخیص نوع قتل مؤثر است، بلکه در تعیین کیفر نیز نقش مهمی دارد. در فقه اسلامی، مجازات اصلی قتل عمد قصاص است، اما در برخی شرایط ممکن است قصاص اجرا نشود و مجازات‌هایی مانند دیه یا تعزیر جایگزین آن شود. این موضوع نشان می‌دهد که نوع قصد و شرایط وقوع جرم می‌تواند در تعیین مجازات تأثیرگذار باشد (Rezaei Zarchi & Mirkhalili, 2018). با توجه به اهمیت عنصر قصد در تحقق قتل عمد و تعیین

حفظ جان انسان از مهم‌ترین اهداف شریعت اسلامی و از اساسی‌ترین ارزش‌های مورد حمایت نظام‌های حقوقی است. در قرآن کریم نیز به اهمیت این موضوع اشاره شده و قتل نفس از بزرگ‌ترین جرایم معرفی شده است. از همین رو، فقه اسلامی از همان آغاز شکل‌گیری خود، قواعد دقیق و گسترده‌ای برای تعیین مصادیق قتل و نحوه مجازات آن وضع کرده است. در میان انواع قتل، قتل عمد با قصد مستقیم، به دلیل وجود قصد و اراده در ارتکاب جرم، شدیدترین نوع جنایت محسوب می‌شود و مجازات اصلی آن در فقه اسلامی قصاص است. در نظام حقوقی ایران نیز که مبتنی بر فقه امامیه است، مقررات مربوط به قتل عمد با الهام از منابع فقهی تدوین شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با هدف شفاف‌سازی عناصر قتل عمد، به‌ویژه عنصر معنوی آن، ماده ۲۹۰ را به تعریف و تبیین موارد تحقق قتل عمد اختصاص داده است. در این ماده، علاوه بر قصد مستقیم قتل، مواردی مانند انجام فعل نوعاً کشنده همراه با علم به نتیجه نیز از مصادیق قتل عمد محسوب شده است. بدین ترتیب، مفهوم قصد در قتل عمد تنها به قصد صریح قتل محدود نمی‌شود، بلکه شامل علم به کشنده‌بودن فعل نیز می‌شود (Emamgholizadeh Gavon & Hosseini, 2024). با این حال، در تحلیل فقهی و حقوقی قتل عمد پرسش‌های متعددی مطرح می‌شود. از جمله اینکه آیا تحقق قتل عمد همواره مستلزم قصد مستقیم قتل است یا علم به کشنده‌بودن فعل نیز کفایت می‌کند؟ همچنین در مواردی مانند قتل اکراهی، اشتباه در شخص، قتل مجنون یا تحریک بزه‌دیده، نوع قصد مرتکب چه تأثیری در مسئولیت کیفری و نوع مجازات دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بررسی دقیق دیدگاه‌های فقهی و تحلیل مقررات قانونی مرتبط با قتل عمد است. از سوی دیگر، تحولات اجتماعی و پیچیدگی‌های روابط انسانی موجب شده است که موارد جدیدی در حوزه جرایم علیه اشخاص مطرح شود که

مجازات آن، بررسی دیدگاه‌های فقهی درباره انواع قصد و آثار آن در مسئولیت کیفری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین تحلیل مقررات قانون مجازات اسلامی در این زمینه می‌تواند به روشن شدن نحوه انعکاس مبانی فقهی در نظام حقوقی ایران کمک کند. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش آن است که نوع قصد در قتل عمد چه نقشی در تحقق جرم و تعیین کیفر آن در فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی ایران دارد و دیدگاه‌های فقها در این زمینه تا چه اندازه در قانون‌گذاری ایران منعکس شده است.

### مبانی نظری

برای تحلیل فقهی و حقوقی قتل عمد، ابتدا باید مبانی نظری این جرم و عناصر تشکیل‌دهنده آن مورد بررسی قرار گیرد. در حقوق کیفری، هر جرم معمولاً از سه عنصر اصلی تشکیل می‌شود: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی. عنصر قانونی به وجود نص قانونی برای جرم‌انگاری یک رفتار اشاره دارد، عنصر مادی ناظر به رفتار خارجی مجرمانه است و عنصر معنوی به وضعیت ذهنی مرتکب و قصد او در ارتکاب جرم مربوط می‌شود. در جرم قتل عمد، عنصر معنوی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تمایز میان قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض عمدتاً بر اساس نوع قصد و علم مرتکب تعیین می‌شود. در واقع، اگر مرتکب با قصد کشتن دیگری اقدام به ارتکاب فعل کند، قتل عمد تحقق می‌یابد. اما اگر قصد قتل وجود نداشته باشد و رفتار مرتکب صرفاً به‌طور غیرعمدی موجب مرگ دیگری شود، جرم ممکن است در زمره قتل شبه‌عمد یا خطای محض قرار گیرد (Mahtabi, 2014). در فقه اسلامی نیز عنصر قصد جایگاه بسیار مهمی دارد. فقهای امامیه معتقدند که مسئولیت کیفری در بسیاری از جرایم به وجود قصد و اراده در ارتکاب فعل بستگی دارد. در مورد قتل عمد نیز بیشتر فقها تحقق این جرم را منوط به وجود قصد قتل یا انجام فعل نوعاً کشنده همراه با علم به نتیجه دانسته‌اند (Vaziri-Fard et al., 2006). یکی از مباحث مهم در مبانی نظری قتل عمد، مفهوم «فعل نوعاً

کشنده» است. منظور از این مفهوم آن است که فعل ارتكابی به‌طور معمول و در شرایط عادی می‌تواند موجب مرگ انسان شود. در چنین مواردی حتی اگر مرتکب قصد مستقیم قتل نداشته باشد، در صورتی که از کشنده بودن فعل خود آگاه باشد، عمل او ممکن است قتل عمد محسوب شود (Fadaei Dehcheshmeh et al., 2021). همچنین مفهوم «علم به نتیجه» نیز در تحلیل قتل عمد اهمیت دارد. برخی از فقها و حقوقدانان معتقدند که علم مرتکب به احتمال قوی وقوع مرگ می‌تواند جایگزین قصد مستقیم قتل شود. به عبارت دیگر، اگر شخصی عملی را انجام دهد که می‌داند احتمال بسیار زیادی برای مرگ بزه‌دیده وجود دارد، ممکن است مسئول قتل عمد شناخته شود (Sarkhosh & Hatami, 2021). در مجموع، مبانی نظری قتل عمد نشان می‌دهد که عنصر معنوی و به‌ویژه قصد و علم مرتکب، نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص این جرم دارد و بدون بررسی دقیق این عنصر، تعیین نوع قتل و مجازات آن ممکن نیست.

### پیشینه پژوهش

موضوع قتل عمد و نقش قصد در تحقق آن از دیرباز مورد توجه فقها و حقوقدانان قرار گرفته است. در منابع فقهی کلاسیک، مباحث مربوط به قتل عمد معمولاً در باب قصاص مورد بررسی قرار گرفته و فقهای امامیه با استناد به آیات قرآن، روایات و قواعد فقهی به تحلیل شرایط تحقق قتل عمد پرداخته‌اند. در این میان، عنصر قصد به عنوان مهم‌ترین معیار تشخیص قتل عمد از سایر انواع قتل مورد تأکید قرار گرفته است. بسیاری از فقها تحقق قتل عمد را منوط به وجود قصد قتل یا انجام فعل نوعاً کشنده همراه با علم به نتیجه دانسته‌اند و برخی فقها و حقوقدانان نیز بر اساس قاعده احتیاط در دماء نظریات دیگری مطرح نموده‌اند.

در پژوهش‌های معاصر نیز موضوع قتل عمد از ابعاد مختلف فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. حمایت‌خواه جهرمی و آهنگران در پژوهشی با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی قتل عمد و

همچنین فضلی و ساریخانی در پژوهشی درباره جنایت نظیر و اشتباه در جنایت در قانون مجازات اسلامی، به بررسی مواردی پرداخته‌اند که در آن مرتکب قصد ایراد جنایت داشته، اما نتیجه‌ای متفاوت از آنچه قصد کرده رخ داده است. آنان نشان می‌دهند که تحلیل این موارد نقش مهمی در تعیین نوع قتل دارد (Fazli & Sarikhani, 2019).

مجموع این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که موضوع قصد و اثر آن در تعیین کیفر قتل عمد همچنان از مسائل مهم و قابل بحث در فقه و حقوق کیفری محسوب می‌شود و نیازمند تحلیل دقیق‌تر مبانی فقهی و مقررات قانونی است.

#### مبانی فقهی قتل عمد

قتل عمد در فقه اسلامی یکی از مهم‌ترین جرایم علیه نفس محسوب می‌شود و در منابع فقهی ذیل باب قصاص مورد بررسی قرار می‌گیرد. فقهای امامیه با استناد به آیات قرآن، روایات معصومان و قواعد فقهی، شرایط تحقق قتل عمد و احکام مربوط به آن را تبیین کرده‌اند. در این میان، مباحثی مانند تعریف قتل عمد، معیار تشخیص آن و نقش قصد در تحقق جرم از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه فقها بوده است.

یکی از مهم‌ترین مستندات فقهی در باب قتل عمد، آیه ۱۷۹ سوره بقره در قرآن کریم است که می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»؛ این آیه بیانگر اهمیت قصاص به عنوان یکی از ابزارهای حفظ نظم اجتماعی و پیشگیری از ارتکاب قتل است. فقها با استناد به این آیه، قصاص را مجازات اصلی قتل عمد دانسته‌اند.

در فقه امامیه، قتل عمد معمولاً به قتلی اطلاق می‌شود که در آن مرتکب با قصد کشتن دیگری اقدام به انجام فعل کرده و در نتیجه آن فعل، مرگ بزه‌دیده تحقق یافته است. با این حال، فقها در بیان دقیق شرایط تحقق قتل عمد دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی از آنان قصد مستقیم قتل را شرط اساسی تحقق این جرم

مصادیق آن در حقوق جزای ایران» به تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده قتل عمد پرداخته و نشان داده‌اند که قانون مجازات اسلامی در تعریف قتل عمد به‌طور گسترده از مبانی فقه امامیه بهره گرفته است. آنان معتقدند که در فقه امامیه، قصد قتل مهم‌ترین معیار در تشخیص قتل عمد است، اما در مواردی که فعل ارتكابی نوعاً کشنده باشد، علم به کشنده‌بودن فعل نیز می‌تواند جایگزین قصد صریح قتل شود (Hemayatkhah Jahromi & Ahangaran, 2008).

رضایی زارچی و میر خلیلی در مقاله‌ای با عنوان «اثر قصد در قتل عمد» به بررسی نقش قصد در تحقق قتل عمد پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که فقهای امامیه علاوه بر قصد مستقیم قتل، علم به نتیجه را نیز در تحقق قتل عمد مؤثر می‌دانند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که در بسیاری از موارد، تشخیص قتل عمد به ارزیابی میزان علم و آگاهی مرتکب از نتایج فعل خود وابسته است (Rezaei Zarchi & Mirkhalili, 2018).

مرادی و شهبازی نیز در پژوهشی درباره عنصر معنوی قتل عمد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تحلیل دقیق ماده ۲۹۰ این قانون پرداخته‌اند. به اعتقاد آنان، قانون‌گذار در این ماده تلاش کرده است تا با الهام از دیدگاه‌های فقهی، موارد تحقق قتل عمد را به صورت دقیق‌تر مشخص کند. در این ماده، علاوه بر قصد قتل، انجام فعل نوعاً کشنده و همچنین علم مرتکب به وضعیت خاص بزه‌دیده نیز از مصادیق قتل عمد محسوب شده است (Emamgholizadeh Gavon & Hosseini, 2024).

از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها به بررسی موارد خاص و اختلافی در قتل عمد پرداخته‌اند. برای مثال، امیری و همکاران در پژوهشی درباره قتل ناشی از اشتباه در شخص به تحلیل دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در این زمینه پرداخته‌اند. آنان نشان می‌دهند که در فقه امامیه، اشتباه در شخص مانع تحقق قتل عمد نیست، زیرا قصد قتل به‌طور کلی وجود داشته است (Amiri et al., 2024).

مرتکب داشته‌اند و همین مبانی بعدها در تدوین مقررات قانون مجازات اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

در فقه امامیه، تحلیل دقیق قتل عمد نه تنها بر مبنای قصد و اراده مرتکب استوار است، بلکه شرایط وقوع فعل، ابزار مورد استفاده، وضعیت بزه‌دیده و حتی فضای ذهنی و روانی مرتکب نیز در تشخیص ماهیت جرم مؤثر دانسته شده است. این گستردگی مباحث سبب شده است که فقهای متقدم و متأخر دیدگاه‌های دقیق و متنوعی را در این زمینه ارائه کنند و قانون‌گذار نیز در تدوین مقررات قتل عمد از این مباحث بهره گیرد.

#### ۱. نقش قصد در تحقق قتل عمد

فقه اسلامی قصد را رکن اصلی بسیاری از جرایم می‌داند و بر همین اساس است که گفته می‌شود: «الْأُمُورُ بِمَقْصِدِهَا»؛ یعنی ارزش و ماهیت اعمال بر اساس قصد تعیین می‌شود. در قتل عمد نیز قصد به عنوان مهم‌ترین معیار شناخته شده است. مشهور فقها بر این باورند که اگر مرتکب با «قصد قتل» فعل کشنده‌ای را علیه مجنی‌علیه اعمال کند، قتل عمد محقق می‌شود، خواه فعل او نوعاً کشنده باشد یا نباشد؛ زیرا ملاک اصلی، اراده آگاهانه قتل است (Vaziri-Fard et al., 2006).

#### ۲. آلت قتاله و نقش آن در اثبات قصد

یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی، مسئله «آلت قتاله» است؛ یعنی وسیله‌ای که نوعاً برای کشتن استفاده می‌شود. فقها معتقدند که استفاده از وسیله‌ای مانند شمشیر، چاقوی بزرگ، تفنگ، یا هر ابزار نوعاً کشنده، اماره‌ای بر قصد قتل است. دلیل این امر آن است که فرد عاقل و بالغ به کارگیری ابزار کشنده را تنها برای نتایج شدید و مرگبار انجام می‌دهد، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود (Fadaei, 2021). بنابراین، حتی اگر قاتل مدعی شود که قصد قتل نداشته، اصل بر این است که چون از ابزار کشنده استفاده کرده، قصد قتل داشته است.

#### ۳. فعل نوعاً کشنده

دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر علاوه بر قصد قتل، انجام فعل نوعاً کشنده همراه با علم به نتیجه را نیز برای تحقق قتل عمد کافی دانسته‌اند (Dehghannejad et al., 2019).

بر اساس دیدگاه مشهور فقهای امامیه، قتل عمد در سه حالت تحقق می‌یابد: نخست آنکه مرتکب قصد کشتن شخص معینی را داشته باشد؛ دوم آنکه مرتکب قصد انجام فعلی را داشته باشد که نوعاً کشنده است؛ و سوم آنکه مرتکب قصد انجام فعلی را داشته باشد که نسبت به وضعیت خاص بزه‌دیده کشنده محسوب می‌شود. این تقسیم‌بندی بعدها در قانون مجازات اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است (Gholami & Ebad, 2018).

از دیگر مباحث مهم در مبانی فقهی قتل عمد، مسئله آلت قتاله است. فقها معتقدند که استفاده از وسیله‌ای که به‌طور معمول برای کشتن به کار می‌رود، می‌تواند قرینه‌ای بر قصد قتل باشد. برای مثال، استفاده از سلاح گرم یا سرد در بسیاری از موارد نشان‌دهنده قصد قتل است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود (Vaziri-Fard et al., 2006).

همچنین در فقه اسلامی، مسئله علم مرتکب به نتیجه نیز مورد توجه قرار گرفته است. برخی از فقها معتقدند که اگر شخصی عملی را انجام دهد که می‌داند به احتمال زیاد موجب مرگ دیگری می‌شود، عمل او می‌تواند در حکم قتل عمد باشد، حتی اگر قصد مستقیم قتل نداشته باشد (Sarkhosh & Hatami, 2021).

از سوی دیگر، فقها شرایط خاصی را برای اجرای قصاص در قتل عمد بیان کرده‌اند. برای مثال، قاتل باید عاقل، بالغ و مختار باشد و مقتول نیز نباید در مواردی قرار گیرد که قصاص در آن‌ها جاری نمی‌شود. یکی از این موارد قتل مجنون توسط شخص عاقل است که در برخی دیدگاه‌های فقهی اجرای قصاص در آن مورد اختلاف قرار گرفته است (Kohantarabi & Lotfi, 2021).

در مجموع، مبانی فقهی قتل عمد نشان می‌دهد که فقهای امامیه برای تشخیص این جرم توجه ویژه‌ای به عنصر قصد و علم

قانون‌گذار در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی به این موضوع پرداخته است.

#### ۶. قتل در حال خواب یا بی‌هوشی

در فقه امامیه، قصد باید آگاهانه و ارادی باشد. بنابراین، اگر فردی در حالت خواب یا بی‌هوشی حرکتی کند که منجر به قتل شود، قتل عمد محقق نمی‌شود؛ زیرا عنصر قصد وجود ندارد. این مباحث بعدها در قانون نیز مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۷. قتل مجنون و مسئولیت قاتل

یکی از موارد اختلافی در فقه، قتل مجنون توسط شخص عاقل است. برخی فقها معتقدند که قصاص در این مورد جاری نمی‌شود، زیرا مجنون «نفس محترمه» نیست، اما برخی دیگر، مانند امام خمینی، مجنون را دارای حرمت شرعی دانسته‌اند و قصاص را لازم می‌دانند (Kohantarabi & Lotfi, 2021). این اختلاف بعدها در حقوق موضوعه نیز تأثیر گذاشته و یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث فقهی و حقوقی است.

#### ۸. قتل با تحریک بزه‌دیده

از دیگر مباحث مورد توجه فقها، قتل ناشی از تحریک شدید بزه‌دیده است. فقها معمولاً تحریک را تأثیرگذار بر «شدت مجازات» می‌دانند، اما آن را مانع قصاص نمی‌دانند. با این حال، برخی پژوهش‌های جدید مانند تحقیق پوربافرانی نشان می‌دهد که تحریک شدید می‌تواند در تعدیل مجازات مؤثر باشد (Pourbafarani & Heidarian Dowlatabadi, 2020).

#### ۹. رابطه میان قصد و تغلیظ دیه

برخی پژوهش‌های فقهی جدید، مانند مقاله بزرگمهر و صابری، نشان می‌دهد که تغلیظ دیه عمدتاً ناظر به قتل عمد است، اما در فقه برای قتل‌های عمدی با ویژگی‌های خاص، موضوع تغلیظ دارای شرایط ویژه‌ای است (Bozorgmehr & Saberi, 2021).

فعل نوعاً کشنده نیز در فقه اسلامی جایگاهی مهم دارد. برخی اعمال مانند شلیک گلوله، پرتاب فرد از ارتفاع زیاد، ضربه با جسم سخت به نقاط حساس بدن، همگی نوعاً کشنده‌اند. فقهای امامیه در این باره معتقدند که اگر فعل نوعاً کشنده باشد، حتی اگر مرتکب ادعای فقدان قصد قتل کند، در صورتی که علم به کشندگی فعل داشته باشد، قتل عمد محقق است (Gholami & Ebad, 2018).

این دیدگاه بعدها در قانون مجازات اسلامی نیز وارد شد و در ماده ۲۹۰ بند «ب» انعکاس یافت.

#### ۴. علم به وضعیت خاص بزه‌دیده

برخی فقها معتقدند که اگر عملی نسبت به فردی خاص، مانند بیمار قلبی، سالمند، کودک خردسال یا فرد مجروح، نوعاً کشنده باشد، انجام آن عمل همراه با علم به وضعیت بزه‌دیده موجب تحقق قتل عمد می‌شود. برای مثال، ضربه‌ای که به‌طور طبیعی کشنده نیست، ممکن است برای فردی بیمار یا ضعیف کشنده باشد. در چنین مواردی اگر جانی از وضعیت مزبور آگاه باشد، قتل عمد محقق است (Dehghannejad et al., 2019).

این دیدگاه نیز در بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی وارد شده است.

#### ۵. قتل با ترک فعل در فقه

یکی دیگر از مباحث فقهی، مسئله قتل با ترک فعل است. در نگاه مشهور فقها، ترک فعل تنها در صورتی می‌تواند موجب قصاص شود که «وظیفه شرعی یا قانونی» برای اقدام وجود داشته باشد و فرد با آگاهی از منجر به قتل شدن ترک فعل، آن را انجام دهد. برای مثال، مادری که از شیردهی کودک خودداری می‌کند و منجر به مرگ او می‌شود، در صورتی که آگاهانه و عامدانه ترک کرده باشد، قتل عمد محسوب می‌شود (Hemayatkhah, 2008). (Jahromi & Ahangaran, 2008).

## ۱۰. قصاص در برابر زن مقتول

یکی از مباحث اختلافی دیگر، موضوع قصاص مرد در برابر زن مقتول است. برخی فقها اجرای قصاص را بدون پرداخت فاضل دیه ممکن نمی‌دانند؛ اما برخی دیگر با استناد به مبانی قرآنی دیدگاه متفاوتی دارند (Zandi & Radmehr, 2021).

## ۱۱. مجازات تخییری یا تعیینی در قتل عمد

مسئله تعیین نوع مجازات قتل عمد از دیدگاه فقهی نیز محل اختلاف است. برخی مانند آیت‌الله خویی قصاص را «تعیینی» می‌دانند، برخی دیگر آن را «تخییری» دانسته و امکان تبدیل به دیه را نیز مطرح کرده‌اند (Pourshahroudi, 2021).

## تحلیل فقهی انواع قصد در قتل عمد

یکی از مهم‌ترین مباحث در فقه جزایی اسلام، تحلیل عنصر معنوی جرم و به‌ویژه «قصد» در تحقق قتل عمد است. فقهای امامیه با توجه به منابع شرعی و اصول فقهی، انواع مختلفی از قصد را در تحقق قتل مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی این اقسام نشان می‌دهد که مفهوم قصد در فقه اسلامی بسیار دقیق و چندلایه است و صرفاً به معنای اراده مستقیم برای کشتن نیست، بلکه در مواردی علم به نتیجه یا آگاهی از کشنده‌بودن رفتار نیز می‌تواند نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

## ۱. قصد مستقیم قتل

نخستین و روشن‌ترین نوع قصد در قتل عمد، قصد مستقیم قتل است. در این حالت، مرتکب با اراده آگاهانه و هدف مشخص برای کشتن شخص معینی اقدام به انجام فعل می‌کند. در این وضعیت، عنصر معنوی جرم به‌طور کامل تحقق یافته و قتل بدون تردید در زمره قتل عمد قرار می‌گیرد.

فقهای امامیه در تعریف این نوع قصد گفته‌اند که هرگاه جانی «قصد ازهاق نفس» داشته باشد و عملی را برای تحقق این هدف انجام دهد، قتل عمد تحقق می‌یابد (Vaziri-Fard et al., 2006). در چنین حالتی تفاوتی نمی‌کند که ابزار مورد استفاده

نوعاً کشنده باشد یا نباشد؛ زیرا آنچه اهمیت دارد اراده آگاهانه برای سلب حیات از دیگری است.

برای مثال، اگر فردی با چاقو یا حتی با وسیله‌ای که معمولاً کشنده نیست، اما با نیت قتل ضربه‌ای وارد کند که منجر به مرگ شود، قتل عمد محسوب می‌شود. در اینجا قصد مرتکب نقش تعیین‌کننده دارد و حتی اگر ابزار به‌طور معمول کشنده نباشد، قصد قتل باعث تحقق قتل عمد می‌شود.

## ۲. قصد انجام فعل نوعاً کشنده

نوع دوم قصد در فقه اسلامی، قصد انجام فعل نوعاً کشنده است. در این حالت، مرتکب ممکن است ادعا کند که قصد کشتن نداشته، اما عملی را انجام داده است که به‌طور معمول موجب مرگ انسان می‌شود. در این موارد، فقها معتقدند که چنین رفتاری می‌تواند در حکم قصد قتل تلقی شود.

به عنوان مثال، شلیک گلوله به سمت فرد، پرتاب شخص از ارتفاع بلند، یا ضربه شدید به نقاط حساس بدن از جمله اعمالی هستند که نوعاً کشنده محسوب می‌شوند. اگر مرتکب چنین عملی را انجام دهد و نتیجه آن مرگ باشد، قتل عمد محقق خواهد شد (Gholami & Ebad, 2018).

فقها در توجیه این حکم بیان می‌کنند که فرد عاقل و آگاه می‌داند که چنین رفتاری احتمال بسیار زیادی برای مرگ دارد؛ بنابراین، ارتکاب آن به منزله پذیرش نتیجه مرگ تلقی می‌شود.

## ۳. قصد انجام فعل همراه با علم به نتیجه

نوع سوم قصد، حالتی است که در آن مرتکب قصد انجام فعل را دارد، اما قصد مستقیم قتل ندارد؛ با این حال، می‌داند که رفتار او احتمال قوی برای مرگ دارد. در اینجا عنصر «علم به نتیجه» جایگزین قصد مستقیم قتل می‌شود.

برخی فقها معتقدند که اگر مرتکب بداند که فعل او به احتمال زیاد موجب مرگ خواهد شد و با این وجود آن را انجام دهد، این عمل



حالت دیگر زمانی است که مرتکب قصد قتل فردی را دارد، اما ضربه او به فرد دیگری اصابت می‌کند و موجب مرگ او می‌شود.

در این مورد نیز بسیاری از فقها قتل را عمدی دانسته‌اند.

در مجموع، تحلیل فقهی انواع قصد نشان می‌دهد که فقهای امامیه برای تحقق قتل عمد طیف گسترده‌ای از حالات ذهنی مرتکب را در نظر گرفته‌اند و تنها به قصد مستقیم قتل اکتفا نکرده‌اند.

تحلیل مواد ۲۹۰ و ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف قتل عمد از مبانی فقه امامیه بهره گرفته است. ماده ۲۹۰ این قانون مهم‌ترین ماده در تعیین مصادیق قتل عمد محسوب می‌شود.

بر اساس این ماده، قتل در موارد زیر عمدی است:

۱. زمانی که مرتکب قصد کشتن شخص معینی را داشته باشد.

۲. زمانی که مرتکب قصد انجام فعلی را داشته باشد که نوعاً کشنده است.

۳. زمانی که مرتکب قصد انجام فعلی را داشته باشد که نسبت به وضعیت خاص بزه‌دیده کشنده محسوب می‌شود.

این سه مورد تقریباً همان تقسیم‌بندی مشهور فقهای امامیه در تعریف قتل عمد است (Emamgholizadeh Gavon & Hosseini, 2024).

ماده ۳۸۱ نیز به موضوع قصاص در قتل عمد می‌پردازد و بیان می‌کند که مجازات اصلی قتل عمد قصاص است، مگر در مواردی که اولیای دم از قصاص گذشت کنند یا شرایط اجرای آن وجود نداشته باشد.

این ماده نیز ریشه در فقه اسلامی دارد، زیرا در فقه امامیه قصاص به عنوان حق اولیای دم شناخته می‌شود. آنان می‌توانند قصاص را اجرا کنند، از آن گذشت نمایند یا دیه دریافت کنند (Mahtabi, 2014).

می‌تواند قتل عمد محسوب شود (Sarkhosh & Hatami, 2021).

برای مثال، اگر شخصی فردی را در شرایطی قرار دهد که احتمال مرگ بسیار زیاد است، مانند حبس کردن او در محیطی بدون هوا یا غذا، علم به نتیجه می‌تواند عنصر معنوی قتل عمد را تشکیل دهد.

#### ۴. قصد فعل نسبت به وضعیت خاص بزه‌دیده

نوع دیگری از قصد در فقه اسلامی مربوط به مواردی است که فعل ارتكابی نسبت به وضعیت خاص بزه‌دیده کشنده محسوب می‌شود. در این حالت، فعل ممکن است در شرایط عادی کشنده نباشد، اما به دلیل شرایط خاص قربانی منجر به مرگ شود.

برای مثال، ضربه‌ای که به‌طور معمول کشنده نیست، ممکن است برای فردی که دچار بیماری قلبی است موجب مرگ شود. اگر مرتکب از این وضعیت آگاه باشد، بسیاری از فقها این عمل را در حکم قتل عمد می‌دانند (Dehghannejad et al., 2019).

#### ۵. قصد تبعی یا احتمالی

برخی از حقوق‌دانان معاصر مفهوم «قصد تبعی» یا «قصد احتمالی» را نیز مطرح کرده‌اند. در این حالت، مرتکب نتیجه مرگ را هدف اصلی خود قرار نداده است، اما احتمال وقوع آن را می‌پذیرد. این مفهوم در حقوق کیفری جدید اهمیت زیادی دارد و برخی آن را با مفهوم «علم به نتیجه» در فقه اسلامی قابل مقایسه می‌دانند.

#### ۶. اشتباه در شخص

یکی از مباحث مهم در تحلیل قصد، مسئله اشتباه در شخص است. در این حالت، مرتکب قصد کشتن فردی را دارد، اما به اشتباه شخص دیگری را به قتل می‌رساند. فقهای امامیه معمولاً معتقدند که در چنین حالتی قتل همچنان عمدی محسوب می‌شود؛ زیرا قصد قتل وجود داشته است (Amiri et al., 2024).

#### ۷. خطا در اصابت

## بررسی مصادیق اختلافی قتل عمد

در فقه و حقوق کیفری، برخی موارد وجود دارند که تشخیص عمدی یا غیرعمدی بودن قتل در آن‌ها دشوار است.

از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قتل ناشی از اشتباه در شخص

قتل ناشی از تحریک شدید

قتل ناشی از رفتار خطرناک بدون قصد قتل

قتل ناشی از ترک فعل

در هر یک از این موارد، دیدگاه‌های مختلفی در میان فقها و حقوقدانان وجود دارد.

برای مثال، در مورد اشتباه در شخص، بیشتر فقهای امامیه قتل را عمدی می‌دانند، در حالی که برخی حقوقدانان معاصر آن را در برخی موارد شبه‌عمد تلقی می‌کنند.

## تحلیل تطبیقی فقه و قانون

مقایسه میان دیدگاه‌های فقهی و مقررات قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی به‌طور گسترده از فقه امامیه الهام گرفته است. در بسیاری از موارد، مقررات قانونی تقریباً همان نظریات مشهور فقها را منعکس می‌کند. برای مثال، تقسیم‌بندی انواع قتل در ماده ۲۹۰ به‌طور مستقیم از مباحث فقهی گرفته شده است. با این حال، قانون در برخی موارد تلاش کرده است تا مفاهیم فقهی را به صورت دقیق‌تر و روشن‌تر بیان کند تا در مقام اجرا مشکلات کمتری ایجاد شود.

## نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه‌های فقهی درباره کیفر قتل عمد بر اساس نوع قصد نشان می‌دهد که عنصر معنوی جرم نقش اساسی در تحقق این نوع قتل و تعیین مجازات آن دارد. در فقه امامیه، قتل عمد صرفاً به حالتی محدود نمی‌شود که مرتکب قصد مستقیم سلب حیات از دیگری را داشته باشد، بلکه مجموعه‌ای از حالات ذهنی و آگاهی‌های مرتکب نیز می‌تواند در تحقق این جرم مؤثر باشد.

فقهای امامیه با تحلیل دقیق مفهوم قصد، تلاش کرده‌اند معیارهایی ارائه دهند که از یک سو مانع مجازات افراد فاقد قصد واقعی شوند و از سوی دیگر از سوءاستفاده از ادعای فقدان قصد جلوگیری شود. یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که در فقه اسلامی سه معیار اصلی برای تحقق قتل عمد مورد توجه قرار گرفته است: قصد مستقیم قتل، قصد انجام فعل نوعاً کشنده و انجام فعل کشنده همراه با علم به نتیجه یا آگاهی از وضعیت خاص بزه‌دیده. این معیارها نشان می‌دهد که فقه اسلامی نگاه گسترده و واقع‌گرایانه‌ای به عنصر قصد دارد و تنها به نیت صریح قتل اکتفا نمی‌کند. در بسیاری از موارد، آگاهی مرتکب از خطرناک بودن رفتار خود می‌تواند جایگزین قصد مستقیم شود و مسئولیت کیفری وی را در قالب قتل عمد تثبیت کند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد که قانون مجازات اسلامی ایران به‌طور قابل توجهی از مبانی فقه امامیه الهام گرفته است. ماده ۲۹۰ این قانون به‌طور مشخص سه حالت عمده برای تحقق قتل عمد بیان می‌کند که تقریباً معادل همان تقسیم‌بندی‌های فقهی است. این امر نشان‌دهنده پیوند عمیق میان فقه اسلامی و نظام حقوق کیفری ایران است. قانون‌گذار با بهره‌گیری از این مبانی تلاش کرده است چارچوبی روشن برای تشخیص قتل عمد ارائه دهد تا از بروز اختلافات گسترده در رویه قضایی جلوگیری شود. با وجود این هماهنگی کلی میان فقه و قانون، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد همچنان اختلاف نظر وجود دارد. از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به قتل اکراهی، اشتباه در شخص، خطا در اصابت، قتل ناشی از تحریک شدید بزه‌دیده، و قتل ناشی از رفتارهای خطرناک بدون قصد صریح قتل اشاره کرد. در این موارد، دیدگاه‌های فقها و حقوقدانان گاه متفاوت است و این اختلاف‌ها می‌تواند در مقام اجرا موجب چالش‌های حقوقی شود. به همین دلیل، تبیین دقیق‌تر معیارهای تشخیص قصد و تفسیر مواد قانونی اهمیت زیادی دارد. نکته مهم دیگر آن است که در فقه اسلامی مجازات اصلی قتل

انجام مطالعات تطبیقی میان فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی دیگر: بررسی تطبیقی مفهوم قصد در حقوق کیفری اسلامی و نظام‌های حقوقی دیگر می‌تواند به توسعه نظریه‌های حقوقی و ارتقای دقت تحلیل‌ها در این حوزه کمک کند.

توجه بیشتر به مصادیق اختلافی در پژوهش‌های حقوقی: موضوعاتی مانند قتل اکراهی، اشتباه در شخص، تحریک بزه‌دیده، یا قتل ناشی از رفتارهای پرخطر همچنان نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر فقهی و حقوقی هستند.

تقویت آموزش قضات در حوزه مبانی فقهی قتل عمد: برگزاری دوره‌های تخصصی برای قضات درباره تحلیل فقهی عنصر قصد می‌تواند در صدور آرای دقیق‌تر و منسجم‌تر مؤثر باشد.

گسترش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای: استفاده از یافته‌های علوم روان‌شناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی در کنار مباحث فقهی می‌تواند به درک بهتر عنصر قصد و انگیزه‌های ارتکاب قتل کمک کند.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

Intentional murder occupies a central position in Islamic criminal jurisprudence and Iranian criminal law because it directly concerns the protection of human life, the preservation of public order, and the moral foundations of criminal responsibility. In Islamic jurisprudence, the prohibition of unlawful killing is not merely a penal rule but part of a broader normative system in which the sanctity of life is treated as one of the essential values protected by the Shari'a. For this reason, the distinction between intentional murder, quasi-intentional killing, and pure mistake has always depended on a careful

عمد «قصاص» تعیین شده است که به عنوان حق اولیای دم شناخته می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود که در نظام کیفری اسلامی، نقش بزه‌دیدگان و خانواده آنان در تعیین سرنوشت مجازات بسیار پررنگ باشد. با این حال، امکان گذشت، مصالحه و دریافت دیه نیز پیش‌بینی شده است که نشان‌دهنده توجه فقه اسلامی به جنبه‌های ترمیمی و مصالحه‌آمیز عدالت کیفری است. در مجموع، می‌توان گفت که تحلیل فقهی انواع قصد نه تنها در فهم دقیق مفهوم قتل عمد اهمیت دارد، بلکه در تضمین عدالت کیفری نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. هرچه معیارهای تشخیص قصد دقیق‌تر و روشن‌تر باشد، احتمال صدور احکام نادرست کاهش می‌یابد و نظام عدالت کیفری می‌تواند با دقت و انصاف بیشتری به پرونده‌های قتل رسیدگی کند. از این رو، بررسی مستمر مبانی فقهی و تطبیق آن با نیازهای حقوقی معاصر می‌تواند به توسعه و بهبود نظام حقوق کیفری در حوزه جرایم علیه اشخاص کمک کند.

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر قابل طرح است: تدوین معیارهای روشن‌تر برای تشخیص قصد در رویه قضایی: پیشنهاد می‌شود قوه قضاییه با استفاده از نظریات فقهی و حقوقی، دستورالعمل‌های تفسیری دقیق‌تری برای تشخیص انواع قصد در قتل عمد تدوین کند تا از اختلاف در آرای دادگاه‌ها جلوگیری شود.

analysis of the offender's mental state, particularly intent, knowledge, and awareness of the probable consequences of the act. In Iranian criminal law, especially under the Islamic Penal Code enacted in 2013, the classification of homicide reflects this jurisprudential background and attempts to clarify the conditions under which killing is treated as intentional. Article 290 of the Islamic Penal Code is especially significant because it expands the concept of intentional murder beyond direct intent to kill and includes cases in which the perpetrator commits an act that is typically lethal or acts with knowledge of the victim's special

condition. Therefore, the concept of intent in intentional murder is not limited to explicit will to kill; rather, it also includes knowledge of the lethal nature of the act and awareness of the probable fatal result (Emamgholizadeh Gavon & Hosseini, 2024; Rezaei Zarchi & Mirkhalili, 2018; Vaziri-Fard et al., 2006).

The main problem addressed in this study is the jurisprudential and legal role of different types of intent in determining both the realization of intentional murder and its punishment. Although direct intent to kill clearly leads to the classification of the act as intentional murder, many disputed cases arise when the offender does not expressly intend death but performs an act that is typically lethal, uses a deadly weapon, knows the victim's special vulnerability, or accepts the high probability of death. These cases create important interpretive questions: Is direct intent always necessary for retaliation, or can knowledge of the result substitute for direct intent? How should the law treat mistaken identity, error in the target, murder under coercion, killing caused by victim provocation, filicide, killing of an insane person, or homicide committed through omission? These questions are significant because the legal characterization of the act affects whether the punishment is retaliation, blood money, discretionary punishment, or another penal consequence. Shiite jurisprudence has developed several criteria for resolving such cases, including intent to kill, commission of a typically lethal act, use of a deadly weapon, knowledge of the victim's special condition, and awareness of the probable occurrence of death (Amiri et al., 2024; Fadaei Dehcheshmeh et al., 2021; Kohantarabi & Lotfi, 2021; Pourbafarani & Heidarian Dowlatabadi, 2020; Sarkhosh & Hatami, 2021).

Methodologically, this study is based on a descriptive-analytical approach and examines jurisprudential and legal sources concerning intentional murder, the mental element of

crime, and the penal consequences of different forms of intent. The analysis focuses on Shiite jurisprudential views, contemporary Iranian legal scholarship, and the provisions of the Islamic Penal Code, particularly Articles 290, 295, and 381. The study first reviews the theoretical foundations of intentional murder, including the legal, material, and mental elements of the crime. It then analyzes the jurisprudential criteria for intentional murder, especially direct intent, typically lethal conduct, deadly instruments, knowledge of the result, and knowledge of the victim's special condition. In addition, the study examines disputed cases in which the offender's intention is not straightforward, such as mistaken identity, error in injury, provocation by the victim, killing through omission, and killing of legally or mentally vulnerable persons. The literature shows that Iranian criminal law has substantially incorporated the dominant views of Shiite jurisprudence, yet several areas remain open to interpretive disagreement, particularly where intent is inferred from circumstances rather than expressly established (Dehghannejad et al., 2019; Fazli & Sarikhani, 2019; Gholami & Ebad, 2018; Hemayatkah Jahromi & Ahangaran, 2008; Mahtabi, 2014).

The findings indicate that Shiite jurisprudence recognizes several forms of intent that may lead to the realization of intentional murder. The first and clearest form is direct intent to kill, in which the offender consciously and deliberately seeks to take the life of a specific person. In this case, intentional murder is established regardless of whether the instrument used is typically lethal, because the decisive factor is the deliberate will to cause death. The second form is intent to commit an act that is typically lethal, such as shooting at a person, striking a sensitive part of the body with a hard object, or throwing a person from a dangerous height. In such cases, even if the offender denies direct intent to kill, the

inherently lethal nature of the act can serve as evidence of intentional murder. The third form is intent to commit an act with knowledge of the probable fatal result. Here, knowledge may function as a substitute for direct intent because the offender understands that death is highly likely and nevertheless proceeds with the act. The fourth form involves knowledge of the victim's special condition, such as illness, old age, childhood, injury, or weakness, where an otherwise non-lethal act may become lethal in relation to that particular victim (Dehghannejad et al., 2019; Gholami & Ebad, 2018; Sarkhosh & Hatami, 2021; Vaziri-Fard et al., 2006).

The study further shows that the punishment of intentional murder is not determined solely by the abstract classification of the act but is also affected by the conditions of the offender, the victim, the circumstances of the crime, and the rules governing retaliation. In Islamic jurisprudence, retaliation is the principal punishment for intentional murder, but it is subject to specific conditions and may be replaced by blood money or discretionary punishment in certain cases. For example, the enforcement of retaliation may be affected by the status of the victim, the existence of legal impediments, waiver by the heirs of the victim, reconciliation, or other jurisprudential considerations. Disputed questions also arise in relation to retaliation for killing a woman, the killing of an insane person by a sane offender, intensified blood money, and whether the punishment for intentional murder is determinate or optional. Some jurists emphasize retaliation as the fixed punishment of intentional murder, while others discuss the possibility of waiver, compromise, or conversion to blood money. These debates show that the jurisprudential system does not treat punishment as a purely mechanical consequence of homicide classification; rather, it considers intent, legal capacity, victim status, procedural rights of

heirs, and the broader aims of justice (Bozorgmehr & Saberi, 2021; Molavi & Taji, 2021; Pourshahroudi, 2021; Rabbani Mousavian & Andak, 2019; Zandi & Radmehr, 2021).

In conclusion, the analysis demonstrates that the type of intent plays a decisive role in both the realization of intentional murder and the determination of its punishment in Islamic jurisprudence and Iranian criminal law. Intentional murder is not restricted to cases of explicit and direct will to kill; rather, it may also be established where the offender knowingly commits a typically lethal act, uses a deadly instrument, acts with awareness of the victim's special vulnerability, or accepts the highly probable occurrence of death. The Islamic Penal Code has largely reflected these jurisprudential criteria, especially in Article 290, and has attempted to provide a clearer legal framework for judicial decision-making. Nevertheless, several disputed cases continue to require careful interpretation, including mistaken identity, error in injury, provocation, omission-based killing, and situations involving special victim status. The study concludes that a precise understanding of intent is essential for preventing unjust punishment, avoiding misuse of claims of lack of intent, ensuring consistency in judicial practice, and strengthening the relationship between jurisprudential principles and contemporary criminal justice.

## References

- Amiri, M., Yaghouti, E., Masoudi Magham, A., & Ommi, A. (2024). The Ruling on Murder Resulting from Mistake in Person in Jurisprudence, the Islamic Penal Code, and the Common Law Legal System. *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 16(34), 109-138. <https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27522.3303>
- Bozorgmehr, M., & Saberi, H. (2021). A Jurisprudential and Legal Study of the Restriction of Intensified Blood Money to Intentional Murder. *Islamic Law*, 4, 125-146.
- Dehghannejad, R., Mohammadi, S. S., & Bokhred, M. (2019). Critique and Examination of the Famous



- View of Jurists Concerning the Realization of Intentional Murder. *Jurisprudence*, 103-127.
- Emamgholizadeh Gavon, V., & Hosseini, S. M. S. (2024). Types of Intent in Intentional Murder with Regard to Iranian Criminal Laws and the Views of Jurists. First International Conference on Law, Political Science, Islamic Politics and Islamic Jurisprudence,
- Fadaei Dehcheshmeh, M., Azimian, A., & Soleimani, A. (2021). A Study of Typically Lethal Acts and Deadly Weapons in Iranian Criminal Law with Regard to the Islamic Penal Code of 2013. *Interdisciplinary Studies of Jurisprudence*, 2, 69-94.
- Fazli, M., & Sarikhani, A. (2019). Similar Offense and Mistake in Offense in the Islamic Penal Code of 2013. *Criminal Law Research Quarterly*, 7(26), 191-226.  
<https://doi.org/10.22054/jclr.2018.24408.1476>
- Gholami, M., & Ebad, P. (2018). *The Place of Knowledge in the Mental Element of Intentional Murder from a Jurisprudential and Legal Perspective with Emphasis on the Islamic Penal Code of 2013*.
- Hemayatkhah Jahromi, F., & Ahangaran, M. (2008). *A Jurisprudential and Legal Study of Intentional Murder and Its Instances in Iranian Criminal Law* [Master's thesis, University of Qom, Qom Campus].
- Kohantarabi, M., & Lotfi, M. (2021). Foundational Validation of the Ruling of Non-Retaliatioon Against a Sane Murderer in the Killing of an Insane Person. *Safir Noor*, 43, 147-170.
- Mahtabi, M. (2014). *Murder Based on the Islamic Penal Code Enacted on April 21, 2013: Intentional Murder, Quasi-Intentional Murder, Pure Mistake, Unifying Precedent Judgments Related to Murder, and Methods of Proving Murder in Courts*. Taq-e Bostan.
- Molavi, M., & Taji, M. B. (2021). Mechanisms for Reducing the Enforcement of Retaliation in Iranian Criminal Law. *Ghanoonyar*, 17, 663.
- Pourbafarani, H., & Heidarian Dowlatabadi, M. J. (2020). Murder Caused by Victim Provocation in the Paradigm of Iranian Criminal Law. *Legal Research*, 33-56.
- Pourshahrudi, A. (2021). Whether the Punishment for Intentional Murder Is Determinate or Optional: With Emphasis on the Views of Ayatollah Khoei and Imam Khomeini. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3, 33-39.
- Rabbani Mousavian, S. A., & Andak, S. P. (2019). A Comparative Study of the Punishment of Intentional Murder in the Penal Laws of Iran and Iraq. *Fars Law Research Journal*, 35-56.
- Rezaei Zarchi, F., & Mirkhalili, S. A. (2018). The Effect of Intent in Intentional Murder. *Jurisprudence and Principles*, 50(3), 71-82.  
<https://doi.org/10.22067/jfu.v50i3.48957>
- Sarkhosh, J., & Hatami, I. (2021). The Criterion for Establishing Knowledge of the Occurrence of the Result in Intentional Murder. *Islamic Jurisprudence and Law*, 25, 47-74.
- Vaziri-Fard, M. J., Mousavi Rokni, A. A., & Ali-Asgari, M. (2006). *A Jurisprudential and Legal Study of the Constituent Elements of Intentional Murder: Intent to Kill and Deadly Weapon* [Master's thesis, University of Qom, Ministry of Science, Research and Technology].
- Zandi, M., & Radmehr, G. (2021). Retaliation Against a Male Murderer for a Female Victim from the Perspective of the Qur'an and Traditions. *Jurisprudential Foundations of Islamic Law*, 2, 8.